

درود بکارگران و دانشجویان فرانسه

جنبش پرده‌مانه و عظیم کارگران و دانشجویان فرانسه بارد یکرسان داد که نظامی مبتنی بر حفظ منافع اقلیتی استثمارگروایمال‌گرای حقوق و منافع اکثریت مردم زحمتکش ثبات و دوامی ندارد و نمیتواند داشته باشد. دولت فرانسه در سالهای اخیر مانند شاه و دولت ایران پیوسته از ثبات وضع کشور لاف میزد تا آنجا که بنایه نمونهای بدولتهای اروپائی عرضه میداشت جنبش کمونی نشان داد که ثبات ظاهری در این کشورها ولو آنکه چند سالی هم دوام یابد بآرامش بیش از توفان میماند که امواج آن بیک بار ثبات ادعائی صاحبان زور و زور را درهم میریزد. چه بسا ثبات و آرامشی که در پشت توفانهای سهمگینی نهفته است!

جنبشی که طی ماه مه از دانشجویان آغاز شد و پدید رنگ کلیه کارگران را در بر گرفت و تمام دستگاه تولیدی اقتصادی و آموزشی کشور را فلج کرد نشانه عدم رضایت شدید کارگران، دهقانان و روشنفکران و جوانان دانشجو است، نارضایتی از نظام اجتماعی که سرشت حاد و آینده آنان را در دست خود گرفته و آنها را به پیچ و مهره های دستگاه بهره کشی تبدیل کرده است، دستگاهی که خون و عرق توده های زحمتکش را بصورت نمشهای زنجیر میشتی استثمارگر سرازیر میکند.

آنچه که مورد مطالبه دانشجویان و روشنفکران جوان است - و این پدیده اختصاص بفرانسه ندارد بلکه مربوط بکلیه کشورهای سرمایه داری پیشرفته است - عبارتست از حقوق دموکراتیک، تغییر سیستم آموزش بورژوازی که آنها را در دانشگاه با ایدئولوژی بورژوازی بار میاورد و پس از پایان تحصیل در خدمت بورژوازی، در خدمت سیستم بهره کشی میکارند. دانشجویان در این میان هیچگونه شرکی ندارند، از هیچگونه حقی برخوردار نیستند؛ آنها بدون اراده بدنیال سیستم آموزشی روانند که بورژوازی بآنها تحمیل کرده است. در یکی از اعلامیه های صادره در جریان مبارزات اخیر چنین گفته میشود: "مسئله اساسی برای همه روشن است دانشگاه یک دانشگاه طبقاتی است. نقش اجتماعی و ایدئولوژیکش در دانشگاهی در این است که ایدئولوژی سلطرا بدانشجویان انتقال دهد و آنها را در جامعه بورژوازی حل کند. ما این وضع را از اساس مردود می شماریم. . . . بحران دانشگاه، بحران سیستم اقتصادی و اجتماعی است."

همین سیستم اقتصادی و اجتماعی است که ملیونها کارگران را استثمارگر کارخانه های مبارزه با آن برخاسته اند. آنها هر بار با مبارزه قهرمانانه خود اندکی سرنوشت خود را بهبود میبخشند ولی با گذشت زمان بورژوازی مواضعی را که از دست داده دوباره تسخیر میکند و امتیازاتی را که طبقه کارگر با مبارزه بدست آورده است از وی می ستاند. همین تجربه مبارزات کارگری نشان میدهد که تنها با درهم ریختن این نظام اجتماعی و اقتصادی و استقرار نظام سوسیالیستی است که میتوان آینده تابناکی برای توده های زحمتکش فراهم ساخت.

"سروهای حافظ نظم و امنیت" علیه تظاهرات دانشجویان در پاریس و در دیگر شهرهای فرانسه دست بکار شدند، خشونت و شقاوتی که این نیروها در سرکوب جنبش دانشجویان و روشنفکران از خود نشان دادند، فریاد اعتراض طبقات و قشرهای مختلف فرانسه را بلند کرد. بارد یکرسان شد که بورژوازی انحصاری در کشورهای امپریالیستی سرسختترین دشمن دموکراسی و ترقی است. بلندگویان بورژوازی در مطبوعات، در ارگانهای تبلیغاتی و از آزادی، از حق انسانها را استفاده از آزادی داد سخن میدهند ولی کافی است منافع و آزادی انحصارگران اندکی

بقیه در صفحه ۳

۲۳ تیر و ۳۰ تیر

روز ۲۳ تیر ۱۳۳۰ هریمن نماینده امپریالیسم امریکا از طرف رئیس جمهور آن کشور بیان میامد تا قبول بند دوستی راهزانه امپریالیسم امریکا و انگلستان را در مسئله نفت بدولت دکترومدق توصیه کند. مردم هشیار و مبارز تهران بنشانه مخالفت بخواستار مداخلت خام طلبانه امپریالیسم امریکا که "میانجیگری" هریمن مظهر آن بود نمایش عظیمی ترتیب دادند که با سرنیزه و گلوله روبرو شد. صد هانفر زخمی و دهها نفر شهید شدند.

روز ۲۸ تیر ۱۳۳۱ (یکسال بعد) شاه با اشاره امپریالیسم امریکا و انگلستان فرمان عزل دکترومدق و انتصاب قوام را صادر کرد. انتشارا رخبار این اقدام خیانت آمیز پدید رنگ در سراسر ایران امواج عظیم اعتراض خلق را برانگیخت. بویژه در تهران مردم به پشتیبانی از دولت ملی دکترومدق بخیابان ریخته صدها نفر زخمی و ده هانفر کشته دادند و سرانجام جبهه ارتجاع و امپریالیسم را بعقب نشینی واداشته قوام را از مسند نخست وزیری بیزیر کشیدند و دکترومدق را با شور و شوق در مقام خود مستقر ساختند.

این دو حادثه در تاریخ اخیر ایران حاوی درسهای گرانقدری است.

حادثه ۲۳ تیر ۱۳۳۰ و ۲۸ و ۳۰ تیر ۱۳۳۱ هر دو زائیده دسیسه مشترک امپریالیسم امریکا و انگلستان بود، بمنظور درهم شکستن نهضت ضد امپریالیستی خلق ایران. با این تفاوت که در تیر ۱۳۳۰ سازش دو امپریالیسم مذکور هنوز مشخص نگردیده نضاد امپریالیسم امریکا با دولت دکترومدق هنوز حدت نیافته بود و دکترومدق بعلت حسن نظری که بامریکا داشت بوجود این دسیسه توجه نکرد و مبارزان هشیار ایران که ورود هریمن را بعنوان مظهر بند و بستد و امپریالیسم محکوم ساخته بخدا آن برخاسته بودند بخاک و خون کشیده شدند. ولی در تیر ۱۳۳۱ سازش دو امپریالیسم بمرحله قطعی رسیده، تضاد امپریالیسم امریکا با دولت دکترومدق حدت یافته بود و این بار شخص دکترومدق مستقیماً و بی پرده از طرف کماشته امپریالیست ها - محمد رضا شاه - مورد حمله قرار میگرفت. در این هنگام مرگ قهرمانی که هنوز خاک و خون بیست و سوم تیرماه سال قبل را بر چهره داشتند مردانه برخاستند و دفاع از دولت ملی دکترومدق در برابر سرنیزه و گلوله و تانک در بارو قوام سینه سپر کردند.

حادثه ۳۰ تیر ۱۳۳۱ و بعداً کودتای ۱۳۳۲ که آشکارا دست

امپریالیسم امریکا را نشان میداد ثابت کرد که توده هائی که در روز ۲۳ تیر ۱۳۳۰ بمخالفت با ورود هریمن و مذاکره با و نمایش دادند روشن بینی سیاسی داشتند، حق بجانب آنها بود. و اگر عزم آنها که عزم مبارزه بیکدیگر با امپریالیسم اعم از امریکائی و انگلیسی و غیره بود همه جانبه و تا آخر عملی میشد توطئه تیر ماه ۱۳۳۱ و شکست مرداد ۱۳۳۲ پیش نیامد. چندی قبل از ورود هریمن بایران دکترومدق در نامه ه تیرماه خود خطاب بر رئیس جمهور امریکا چنین گفت: "یقین دارم که دولت های آزاد جهان و خصوصاً دولت دوست ما امریکا در موضوع مهم از معاضدت به آمل ملی ایران خودداری نخواهد کرد." ولی این نظریه مردم ایران نبود. مردم ایران بساین دروغ بزرگ امپریالیستها که خود را مؤسس دولت های آزاد جهان "میخوانند هرگز باور نداشته و آنها با نفرت رد کرد فاند. بقیه در صفحه ۲

رویزیونیسم

رویزیونیسم عنوان رساله ای است که از طرف سازمان توفان تهیه و برای انتشار آماده شده است. مطالب زیرین در رساله مذکور مورد تحلیل قرار میگیرد.

رویزیونیسم چیست؟ - نظریه یکنگشته - شرایط بروز رویزیونیسم - رویزیونیسم کهن و رویزیونیسم معاصر - اشکال بروز رویزیونیسم معاصر (همزیستی مسالمت آمیز - صلح و جنگ - گذار مسالمت آمیز - تضاد های دنیای معاصر - دولت و انقلاب) - هدف های استراتژیک رویزیونیسم - لزوم مبارزه با رویزیونیسم.

رساله "رویزیونیسم" مربوط بیک از بهترین موضوعات ایدئولوژیک و سیاسی عصر ماست، نشان دهنده علل سقوط یک سلسله از احزاب کمونیست بمعناک رویزیونیسم و روشن کننده مبارزه حاد مارکسیستها لنینیستها با رویزیونیستهاست. بنظر ما رساله مذکور میتواند نقش بسیار سودمندی در ارتقاء سطح ایدئولوژیک و سیاسی انقلابیون ایران بازی کند.

مستفادگان امکانات مالی سازمان توفان اجازه انتشار این رساله را نمیدهند. از این جهت ما از کلیه مارکسیستها - لنینیستها - از کلیه انقلابیون ایران دعوت میثیم که بمنظور انتشار رساله مذکور بسازمان توفان کمک مالی برسانند. کمک مالی خود را به پست یا بوسیله بانک یا ذکر نام حقیقی یا مستعار بآدرس توفان ارسال دارید.

امید داریم که کمک علاقه مندان بتواند ما را در انتشار هر چه بوقع این رساله موفق گرداند.

به حزب کمونیست مارکسیست لنینیست فرانسه

خط تمایز بین مارکسیستها - لنینیستها از یک طرف و رویزیونیستها ها از طرف دیگر را بطور روشن و دقیق در نظر خلق فرانسه ترسیم کرد و این خود پیروزی بزرگی برای حزب کمونیست مارکسیست - لنینیست فرانسه است.

رفقای عزیز شما در کنگره دسامبر ۱۹۶۷ وقوع حوادث عظیم را در کشور فرا بامهارت قابل تحسینی پیش بینی کردید و لزوم آمادگی برای مقابله با آن را تذکرشدید. شما در اعلامیه ۱۱ مه ۱۹۶۸ بدرستی در برابر زحمتکشان فرانسه اعلام داشتید که "اگر توده های زحمتکش کشور ما و در رأس آنها طبقه کارگر بید رنگ برضد این سیاست برنخیزند اقداماتی که بمنظور فاشیستی کردن دستگاه رهبران میاشد ممکن است بروز فاشیستی منجر گردد، رژی که قطع و قمع تروریستی را برای همیشه برقرار سازد و حتی از قانونیت بورژوازی خویش بپایند بزند." اینک غیر قانونی شدن حزب کمونیست مارکسیست - لنینیست فرانسه پیش بینی شما را تأیید میکند.

ما یقین داریم که حزب شما بفعالیتهای پرافتخار خود در راه دفاع از منافع زحمتکشان فرانسه و مصالح انقلاب سوسیالیستی با کوشش و کامیابی بیشتر ادامه خواهد داد. زنده باد حزب کمونیست مارکسیست - لنینیست فرانسه - برافراشته باد پرچم طغرسخس مارکسیسم، لنینیسم و اندیشه مائوسه دون.

برقرار باد انترناسیونالیسم پرولتری. سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان ۱۴ ژوئن ۱۹۶۸

بمناسبت غیر قانونی شدن حزب کمونیست مارکسیست - لنینیست فرانسه، این نامه از طرف سازمان توفان بآن حزب نوشته شده است.

کمیته مرکزی حزب کمونیست مارکسیست - لنینیست فرانسه رفقای عزیز

خبر غیر قانونی شدن حزب پر افتخار شما در نزد مارکسیستها - لنینیستهای ایران خشکی بی پایان نسبت بامپریالیسم فرانسه، انزجاری بی گران نسبت به رویزیونیستها حزب والدک روتش و احترامی عمیق نسبت بحزب کمونیست مارکسیست - لنینیست فرانسه برانگیخت. این اقدام دولت انحصارهای فرانسه دلیل قاطعی بر ماهیت مارکسیستی - لنینیستی حزب شما، بر مبارزه بی گمرو امان وی در دفاع از منافع زحمتکشان فرانسه و مصالح انقلاب سوسیالیستی است. بسپار جالب توجه است که دولت انحصارهای فرانسه در عین حال که حزب کمونیست مارکسیست - لنینیست فرانسه را غیر قانونی اعلام میدارد بباند رویزیونیست والدک روتشه، بمنظور فریبکاریها و بند و بست های پارلمان، امکان استفاده از رادیو و تلویزیون دولتی میدهد. باین طریق بورژوازی کهنه کار فرانسه بایک دست بنبرد بامارکسیست ها - لنینیست ها و با دست دیگر بنوازش رویزیونیستها مشغول است. اینک رویزیونیستهای فرانسه که بهم زبانی با رویزیونیستهای شوروی، نهضت انقلابی قهرمانانه کارگران و دانشجویان فرا را مورد اتهام و دشنام قرار دادند باین طریق محملی برای عملیات وحشیانه پلیس فرانسه تراشیدند از بورژوازی فرانسه در انتخابات آینده توقع دستمزد دارند. حوادث بزرگ اخیر

پیروز باد مبارزه قهرآمیز خلق دلاور فلسطین

توسعه به بهبود

شرایط زندگی توده‌ها

درجه به واحد

یکی از سه اصلی که جنبه متحده ملی باید بر آن استوار باشد بهبود شرایط زندگی سیاسی و اقتصادی توده های مردم است. عرص موقت خط مشی سازمان ما (وظائف مرم وفوری مارکسیست ها - لنینیست های ایران) اهمیت این اصل را خاطر نشان ساخته است. معینا هنوز در نزد برخی از رفقای ما درباره اهمیت این اصل سئوالاتی مطرح است. به عقیده برخی از آنان اهمیت این اصل آنقدر نیست که در کنار دواصل دیگر (استقلال احزاب و سازمانهای دموکراتیک و آزادی انتقاد قرار گیرد).

ولی سازمان ما از آنجا که پیروزی و شکست انقلاب را در اجرا و عدم اجرا آن میبیند، برای نخستین بار این اصل را صراحتاً در خط مشی خود مطرح میسازد.

پس از شکست امپریالیسم و سرنگونی ارتجاع داخلی و برقراری یک حکومت ملی و دموکراتیک شرایط بسیار مناسبی برای بهبود وضع زندگی سیاسی و اقتصادی توده های مردم فراهم میشود. ولی جنبه متحده ملی قبل از آن نیز یعنی در جریان مبارزات و جنگ توده ای که بر این زمانی طولانی لازم است، هرگز نباید بهبود شرایط زندگی اقتصادی و سیاسی توده های وسیع را از نظر فریوگذارد. کوشش در این راه نه تنها بدان خاطر است که حقوق که طی قرنهای متعددی تسلط استثمار و ستم طبقاتی از توده های مردم ربوده شده است، علی الاصول بدانها باز سیرده شوند بلکه همچنین باز بدان خاطر است که توده های وسیع مردم هر چه بیشتر علیه امپریالیسم و اقلیت حاکم داخلی بسیج گردند، دست را از دشمن تشخیص دهند و راه رهائی نهائی خود را در شرکت در جنگ توده ای طولانی ببینند.

اگر صحیح است که پشتیبانی همه جانبه توده های مردم از انقلاب شرط عمده پیروزی آن است، پس باید وسائل مادی تضمین این پشتیبانی را فراهم آورد و این امکان را برای همیشه منتفی ساخت که مانورهای موسمی ارتجاع و امپریالیسم توده های مردم را بفریب و آنان را علیه نیروهای انقلابی برانگیزد.

نیروهای انقلابی باید قبل از هر چیزی بمیان توده ها تا مردم بروند با آنها پیوند انحصاری برقرار کنند؛ برای مشکلات آنها راه کشائی کنند. با آنها آموزش سیاسی و فرهنگی دهند و برای بهبود شرایط مادی فرهنگی و بهداشتی و سایر نیازمندیهای آنان شخصاً همت کمارند.

برای جلب توده ها و بسیج آنها در یک جنبه توده ای باید توده های دهقانی را در مبارزه آنها با خاطر زمین رهبری نمود و از صاف کارگران بنظیر جدی دفاع کرد. پس از بدست آوردن پیروزی های موقت و محدود باید از هیچ مشکلی نهراسید و بقوریت و بدون ائتلاف وقت زمین را بین دهقانان تقسیم کرد. تا شور و شوق آنها برای کار و تولید کشاورزی بالا رود، باید برای افزایش دست مزد و بهبود شرایط کار کارگران با اقدامات جدی مبارزت ورزید، باید بمسائلی که مورد علاقه توده هاست، بفرهنگ، بهداشت و سایر نیازمندیهای آنان اهمیت بسزا بخشید. تمام این مسائل باید در دستور روز نیروهای انقلابی بخصوص مارکسیستها - لنینیستها قرار گیرد تا توده های مردم دریابند که چه کسی مدافع واقعی منافع آنهاست. مارکسیست ها - لنینیست ها باید به توده های مردم یاری دهند تا آنها از خلال همین چیزهای ساده و عریض عالی تری از قبیل جنگ انقلابی را درک کنند، آن راهه جانبه سازند و بدعوت سیاسی نیروهای انقلابی پاسخ مثبت دهند و تا پیروزی نهائی انقلاب از پا ننشینند.

بهبود بخشیدن بشرایط زندگی سیاسی و اقتصادی مردم در بسیاری موارد با مقاومت بورژوازی ملی مواجه میگردد و از آنجا که بورژوازی ملی یکی از نیروهای جنبه متحده ملی را علیه امپریالیسم و اقلیت حاکم داخلی تشکیل میدهد، این اقدامات اصلاحی، جنبه را در چار برخی دشواریهای درونی میسازد.

مقاومت بورژوازی ملی در برابر این اقدامات اصلاحی دارای دو جنبه اساسی است: اولاً بهبود شرایط زندگی توده های مردم به قیمت پاره ای محدودیت ها برای بورژوازی ملی تمام میشود و ثانیاً بورژوازی ملی از عاقبت این اصلاحات میهراسد و بنا بر خصلت در

کانه خود نمیخواهد توازن سیاسی را بنفع طبقات کارکرد دهقان برهم زده ببینند. درست بهمین دلیل در هیچیک از کشورها - نیکه در آنها بورژوازی ملی بر سر کار آمده است یا از پاره ای اصلاحات نیم بند فراتر نرفته است. دولتهای بورژوازی ملی در این کشورها فقط بتحکیم موقعیت سرمایه داری پرداخته اند، آرمانهای صدها هزار مردمی را که در راه پیروزی انقلاب ملی مجاهدت کرده اند بدست فراموشی سپرده اند، دموکراسی اقتصادی که سهل است، دموکراسی سیاسی را نیز با هزار بهانه محو کرده اند. در بسیاری از این کشورها احزاب کمونیستی که نماینده مشرقی ترین نیروهای انقلابی جامعه است با همسایه های متحد رضاشاهی سرکوب میشوند. این است که توده های مردم بتدریج از حمایت فعالانه حکومت ملی محروم میشوند.

حکومت بورژوازی ملی هم بتدریج منفرد میگردد و سرانجام راه بازگشت امپریالیسم و اعاده قدرت ارتجاع داخلی هموار میشود. سرنوشت نهضت ملی ایران در سالهای ملی شدن صنعت نفت نیز همین واقعیت این ادعاست. دولت ملی دگر صدق با پشتیبانی مردم بیکی از آرمانهای دیرینه مردم ایران یعنی ملی شدن صنعت نفت جامه عمل پوشانید. ولی این دولت برای بهبود شرایط زندگی مردم کامی بر نداشت. شخص دگر صدق با اصلاحات ارضی و هرگونه اقدام جدی دیگر در راه بهبود شرایط زندگی توده های مردم بد جهت مخالفت میوزید که به عقیده او دست بردن باین اصلاحات جنبه خارجی را تضعیف میکند. او عقیده داشت که ملت ایران در وجهیه میچنگد، اگر ملت سرگرم کشاکش در جنبه داخلی گردد، گویا جنبه خارجی او تضعیف میگردد. عاقل از اینکه قائل بودن این دوگانگی جنبه خیالی است که بر واقعیت تطبیق نمیکند. امپریالیسم و اقلیت حاکم داخلی پیوندی ناکستنی با یکدیگر دارند. تضعیف امپریالیسم موقعیت ارتجاع داخلی را بخطر میاندازد و وارد ساختن ضربه های متحد بقوت دلیته و سرمایه داران وابسته در واقع ضربه زد با امپریالیسم و تضعیف موقعیت اوست. اگر دولت دگر صدق فی الصل بقوریت بتقسیم اراضی ملاکین بزرگ مبارزت ورزیده بود اولاً یکی از یابکاهای نفوذ امپریالیسم را درهم شکسته بود و ثانیاً مینوینها روستائیان کشور را پشتیبانی از دولت ملی تشویق میکرد. این وظیفه مرم انجام نکرده، قدرت ارتجاع داخلی دست نخورده ماند، دهقانان تا پایان از صحنه مبارزه کنار ماندند و سرانجام آن جنبه ای که دگر صدق تنها با استحکام دیوارها خارجیت همت میکشاشت بکام امپریالیسم از داخل سرکوب گردید.

تجربه ایران طرفی پانزده سال گذشته در یک سلسله از کشورهای آسیا، امریکا و امریکای لاتین تکرار گردید و بورژوازی ملی بنسب بر خصلت طبقاتی خود نتوانست از هیچکدام این تجربیات عبرت بگیرد. سرنوشت کشورهاییکه در آنها بورژوازی ملی سرگردگی مبارزت مردم را بعهده دارد، در آینده نیز جز این نخواهد بود.

تنها نیروی که میتواند در راه بهبود شرایط زندگی مردم کامی جدی بر وارد اصلاحات ریشه ای دست زند، طبقه کارگر و سازمان سیاسی اوست. حزب طبقه کارگر بایستی در مقدم ترین صفوف مبارزه مردم در راه بهبود شرایط زندگی سیاسی و اقتصادی کارگران، دهقانان و سایر زحمتکشان کشور قرار گیرد، در جهت نیازمندیها و آرزوهای توده های مردم عمل کند، از تهدیدها و تحریکات اقلیت ناچیزی که عایق ترقی و تعالی جامعه است نهرا و مقاومت این اقلیت ناچیز را با عزم مخصوص بخود درهم شکند. پشتیبانی جدی و اصولی حزب سیاسی طبقه کارگر از آرمانهای مردم بخصوص کارگران و دهقانان، اولاً خطر شکست انقلاب را دفع میکند و ثانیاً سرگردگی حزب طبقه کارگر را در این انقلاب مسلحی سازد. زیرا هنگامیکه میلیونها دهقانان کشور طبقه کارگر و حزب سیاسی او را بشابه جدی ترین، بی کبرترین و قاطع ترین مدافع حقوق مادی خویش باز شناختند، دیگر بگرد طبقه دیگر و سا. زمان سیاسی دیگری حلقه نخواهند زد. در این حالت بورژوازی ملی نیز ناگزیر خواهد بود که بسرگردگی طبقه کارگر تن در دهد

۲۳ تیر ۳۰ تیر بقیهاز ص ۱

مردم ایران دولتهای امپریالیستی و "خصوصاً دولت امریکا" را هرگز دوست خود و حلقهای دیکر جهان ننمردند و نمیشاوند. شینگ ابراز نفرت که روز ورود هریم در تهران برپا شد و متأسفانه بخون کشیده شد بمنظور اعلام این نظریه مردم ایران بود. مقامات دولتی ایران در مذاکره با هریم نتوانستند تشویق خویش را در برابر کسترش روز افزون نهضت و ورود زحمتکشان بحر سیاست ایران پنهان بدارند و خواستند امپریالیسم امریکا را با این "خطر" توجه دهند تا وی بمنظور تمرکز کردن نیروهای "افرا-طی" با آنها در پیرون کردن شرکت نفت انگلیس از ایران کمک کند. دگر صدق یکماه پیش از آن (در ۲۰ خرداد) به ترومسن چنین پیام داده بود: "از آن حضرت انصاف میخواهم آیاملت برد بار ایران که با تحمل این شدائد و محرومیتها یا سرآوردنا کتون توانسته است در مقابل تبلیغات قوی انقلابی ایستادگی کرد و اسباب زحمت دنیا را فراهم نیآورد قابل تحسین و تقدیر هست یا نیست؟" در همین زمینه در گزارشی که شرکت ملی نفت ایران به هریم داد چنین میخوانیم: "اگر ملی شدن نفت عملی نشود مردم ایران ناراضی خواهند شد" بالتسبیه دستجات افراطی چپ با حد اکثر استفاده از این ناراضیاتی کاملاً بر اوضاع ایران بضرر کشور ایران و کلیه کشورهای آزاد جهان مسلط خواهند گردید. بدیهی است که منظور از "کشورهای آزاد جهان" همان امریکا و جهان دست نشاندۀ اوست. تنظیم کنندگان گزارش میخواهند موافقت خود را با نماینده امپریالیسم امریکار مخالفت با کمونیسم برخ وی بکشند و باین وسیله همکاری وی را در ملی کردن صنعت نفت ایران جلب کنند. در همین گزارش گفته میشود که اگر در امر ملی شدن نفت توفیق حاصل نشود "تمام مردم فقیر که بیش از نود پنچ درصد اهالی این کشور را تشکیل میدهند... در اثر شدت بدبختی که هم اکنون عیرقا-بل تحمل است بدامان کمونیسم پناه خواهند برد". بدیهی است که هر نماینده امپریالیسمی از چنین سخنانی بخصی درگی باید که مخاطب وی از مردم فقیر کشور خود "که بیش از نود و پنج درصد اهالی... را تشکیل میدهند" هراسناکتر است تا از امپریالیسم، و بخصی میفهمد که چنین مخاطبی را که در بسیج نام و تمام توده مردم فقیر ضرر است بآسانی میتوان از پای آورد. هریم، این دلال کهنه کار امپریالیسم، نیز همینطور فهمید و آنگاه امپریالیسم امریکا در موقع خود بکام امپریالیسم انگلستان به توطئه ۳۰ تیر بر علیه دولت دگر صدق دست زد. فقط و فقط هشیاری و جانبازی مردم فقیر بود که توطئه را در آن روزها بر باد داد و دولت صدق را دوباره بر کرسی نشانید. اما نتیجه مذاکره با هریم چه بود؟ آن بود که دولت ایران بتسب اینک بتواند همکاری امپریالیسم امریکا را جلب کند ببحری عقب نشینی ها تن در داد. یعنی حاضر شد بجای نمایندگان شرکت نفت رسماً با نمایندگان دولت انگلستان وارد مذاکره شود؛ قانون نه ماده ای "اجرای ملی کردن صنعت نفت" مورخ ۱۰ اردیبهشت ۱۳۳۰ را مسکوت بگذارد و فقط قانون یک ماده ای اسفند ۱۳۲۹ را مبنای مذاکرات قرار دهد. و موافقت کرد که هریم با دولت انگلستان "راجع بطریقه اجرای قانون تا آنجا که مربوط بمنافع انگلیس است وارد مذاکره شود". این عقب نشینی بویژه در آنجا که صریحاً "منافع انگلیس" بر سمیت شناخته میشود آنقدر نمایان بود که یکی از اعضا "دولت در موقع امضا" تصویب نامه در بقیه در صفحه ۳

سوداگران مرگ

"پیش از آنکه شاه عازم سفر امریکا شود اعلام شد که ایران مبلغ ۳ میلیارد فرانک از امریکا اسلحه جدید خواهد خرید. اخیراً تهران مبلغ ۵۰۰ میلیون فرانک از اتحاد شوروی اسلحه خرید و معتدل است که بزودی معامله دیگری بملی یک میلیارد فرانک با اتحاد شوروی انجام دهد."

روزنامه لوموند - ۵ ژوئن ۱۹۶۸

درود بکارگران و دانشجویان فرانسه بقیه از ص ۱

صفوف سازمان را گسترش دهیم

" نباید از ترس اینکه مبادا اشکال گشمن به مزبور بزنند که نذرهای آن را بدست آوریم و امیدواریم که باید صفوف حزب را جورانه گسترش داد. معذک در حالی که صفوف حزب را جورانه گسترش میدهم نباید از اعمال دشمن و طراران سیاسی غافل کردیم و بگذاریم که آنها با استفاده از غفلت مادر صفوف حزب رخنه کنند. اگر فقط در فکر یک جانب کاری باشیم و جانب دیگر را از دیده فرو گذاریم دچار اشتباه گفته‌ام. یکانسیاست صحیح چنین است: صفوف حزب خود را جورانه بگستریم. ولی بهیچ عنصریا نکاری مجال ورود ندهیم."

ما توسته دون

در معرض خطر قرار گیرد برای آنکه نیروهای حافظ نظم بورژوازی بیرحمانه فریاد انسانهارا با طر آزادی و ترقی در سینه خفه کنند؛ بار دیگر ثابت شد که دستگاه سرکوب دولت بورژوازی برای حفظ منافع وی آماده است، بار دیگر نشان داده شد که این دستگاه عظیمی که بورژوازی فراهم آورده و آن را برای سرکوب طبقات انقلابی و پیشرو پرورش میدهد امکان نخواهد داد که آفایان رویزیونیستها باید ست آوردن " اکثریت کرسیهای پارلمان بورژوازی " " از راه مسالمت آمیز " سوسیالیسم را بجای سرمایه داری بنشانند.

دانشجویان در خیابانهای پاریس قهرمانانه به نبرد پرداختند. قهرنیروهای پلیس و ژاندارمری را با قهریاسخ گفتند و سنسن در بین خلق فرانسه را در مبارزه با دشمن طبقاتی زنده کردند. ارتجاع فرانسه جنبش عظیم دانشجویان را نتیجه تحریک " گروهی کوچک " " اقلیتی " پرووکاتور شمرده که گویا در نبرد های خیابانها آزمون ماند. ارتجاع فرانسه با این اتهام میخواست جنبش را تخطئه کند، هدف آنرا وارونه جلوه دهد و برای سرکوب وحشیانه این جنبش بهانه قانونی بدست آورد. در اینجا حزب رویزیونیست فرانسه و کنگره رایسون عمومی کار که رهبری آن در دست رویزیونیستها است، بکنک ارتجاع شتافتند. اتهامات ارتجاع فرانسه را به جنبش دانشجویان تکرار کردند. معلوم نیست " گروهی کوچک " یا یک " اقلیت " هر اندازه هم پرووکاتور باشد چگونه میتواند ده ها هزار دانشجویان را بطول چند هفته بد نبال خویش بکشد آن هم در نبرد خونین علیه نیروهای انتظامی که بهر صورت خالی از مغایره نیست. رویزیونیستها با زهم این اتهامات محض را آفریدند که جنبش دانشجویان فرانسه گویا شمره فعالیت " چند تن هواداران چین " است برای آنکه مذاکرات میان دولت و موکراتیک ویتنام و امریکارا که در پاریس جریان دارد برهم زند. رویزیونیستها شوروی نیز قلا همین اتهامات را بدها دانشجویان قهرمان پاریس وارد کرده بودند بدین ترتیب رویزیونیستها حکومت دوگ را در سرکوب وحشیانه نظاهرات دانشجویان محق دانستند. رویزیونیستها و این هواداران پرویاقص تا کیک مسالمت آمیز بهیچوجه تاب دیدن این امر را نداشتند که توده ها حتی برای دفاع از خویش، بر روی حکومتهای ارتجاعی را تسویق میشود. رویزیونیستها در هفته خونین مرداد ۱۳۴۲ نسبت بشاه و قوای انتظامی او که هزاران نفر را کشتند و مجروح کردند همین موضع را اتخاذ نمودند و اکنون نیز نسبت بحکومت دوگ و وحشیگری نیروهای انتظامی وی همین شیوه را در پیش گرفتند. رویزیونیسم در سرکوب نیروهای توده ای انقلابی همکار و همدست ارتجاع و بورژوازی امپریالیستی است.

فعالیت ضد انقلابی رویزیونیستها فرانسه بهمین جا خاتمه نمیدید. بدون شک جنبش عظیمی که در جریان ماه مه سراسر فرانسه را تکان داد علیه سیستم اقتصادی و اجتماعی بورژوازی فرانسه شوجه و هدف آن تغییر و تحول عمیق این سیستم بود. برای چنین تحولی لازم است اتحادی انقلابی از کارگران، دهقانان، دانشجویان و روشنفکران شرقی بوجود آید و مبارزه انقلابی بر دازد. تنها با چنین اتحاد و با چنین شیوه مبارزه ای میتوان دولت بورژوازی ارتجاعی را سرنگون ساخت. اما رویزیونیستها فرانسه که رهبری بزرگترین اتحادیه های کارگری فرانسه را در دست دارند از چنین اتحادی جلوگیری کردند. دانشجویان فرانسه در جریان مبارزه بارها کوشیدند با کارگران اعتصابی تماس برقرار کنند و آنان بتظاهرات مشترک دست زنند، ولی هر بار با اختلح حسن رهبران رویزیونیست مواجه گردیدند نتیجه این شد که جنبش دانشجویی از طبقه کارگر جدا ماند و کارگران اعتصابی نیز در درون کارخانه ها محصور ماندند و از جد و اشغال کارخانه فراتر نرفتند. وحدت با روشنفکران و کارگران، چیزیکه همیشه خواست کلیه مارکسیست - لنینیست ها بوده و اکنون نیز هست سرنگرفت و جنبش انقلابی، بسود حکومت بورژوازی انحصاری فرا

در حال تفرقه و پراکندگی باقی ماند. در جریان این مبارزه سیما ضد انقلابی رویزیونیسم نقش نفاق افکنانه آن بسود بورژوازی پیش ازین آشکار گردید و اعتراضات رادیوی پیک ایران فعالیت رهبران رویزیونیست در جریان این اعتصاب عظیم حتی مورد تحسین روزنامه ها و محافل دست راستی واقع شد.

رویزیونیستها تنها از وحدت نیروهای انقلابی جلوگیری کردند بلکه مبارزه طبقه کارگر را هم در چهارچوب مطالبات صرفاً اقتصادی نگاه داشتند. دست در موقعیکه تمام طبقه کارگر، تمام دانشجویان و بخش مهمی از دهقانان و دیگر قشرهای اجتماعی دست به اعتصاب زده بودند و چنین اعتصاب عظیمی که قریب دهملیون نفر را در بر میگرفت و دارای قدرت نبرد استثنائی بود، رهبری رویزیونیست اتحادیه های کارگری مصرانه اعلام داشت که از جد و مطالبات اقتصادی گامی فراتر نخواهد گذاشت بدیسی است هیچ مبارز انقلابی نیست که با اهمیت مطالبات اقتصادی طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان واقف نباشد. از مبارزه در راه چنین مطالبات سر باز زنند. ولی در شرایطی استثنائی که سراسر کشور غرق در مبارزات سیاسی و نبرد خیابانی است و همه خواستار تحول سیستم اقتصادی و اجتماعی موجودند، محدود کردن جنبش عظیم اعتصابی کارگران بمطالبات صرفاً اقتصادی جز خیانت بطبقه کارگر نام دیگری نمیتواند داشته باشد. رویزیونیسم قادر بدین گونه نیست که کارگران میخواستند انسان باشند، نه بردگانی که با آنها فقط مزد بیشتری داده شود.

جنبش انقلابی اخیر فرانسه بار دیگر نشان داد که بدون شرکت و رهبری طبقه کارگر هیچ جنبش انقلابی نخواهد توانست پسرانجا برسد. فقط طبقه کارگر با ایدئولوژی علمی خود، با انضباط و قابلیت سازمان گیری خود، با نقش قاطعی که در فعالیت تولیدی و اقتصادی بازی میکند میتواند تحول قطعی سیستم اقتصادی و اجتماعی را بر عهده گیرد و جامعه نوین را سازمان دهد.

در جنبش انقلابی اخیر حزب کمونیست (مارکسیست - لنینیست) فرانسه نقش دشوار و افتخار آمیزی بر عهده داشت. جای گرفتن در صفوف مقدم مبارزان، افشا سیاست اپورتونیستی و دسائس ضد انقلابی رویزیونیستها، طرح شعارها، سیاسی و سازمانی صحیح، بر اثر انجام این وظایف حزب کمونیست (مارکسیست - لنینیست) فرانسه حیثیت و اعتباری تازه یافت و نیروهای انقلابی جدیدی بصوفی آن پیوست. بدون تردید آینده رهبری نهضت انقلابی خلق فرانسه در دست این حزب مارکسیستی - لنینیستی است.

جالب توجه است که مارکسیست - لنینیستهای فرانسه از ماهها قبل وقوع جنبشهای بزرگ توده های راداران کنسور بر اساس تحلیل علمی اجتماعی پیش بینی میکردند و از این جهت تشکیل حزب کمونیست (مارکسیست - لنینیست) را وظیفه خود میشمردند و این وظیفه را در دسامبر سال گذشته بانجام رسانیدند. اینک ظهور جنبش اخیر توده های ملت فرانسه صحت پیش بینی آنها را اثبات رسانید. این نیز برای انقلابیون ایران درس گرانبهائی است. میهن ما علی رغم آزارش ظاهری که با سرنیزه های محمد رضاشاه تحمل شده آستان حوادث بزرگی است. اگر در آن موقع حزب نیرومند طبقه کارگر ایران وجود نداشته باشد رهبری توده ها بویزیونیست غیر ممکن خواهد بود. از این جهت کوشش بیکمپری احیا " حزب طبقه کارگر در عرصه ایران وظیفه نوری و بزم کلیه نیروهای مارکسیست - لنینیستی کشور ما است.

۲۳ تیر ۳۰ تیر بقیه از ص ۲
زیر آن نوشت: " بنده با کلمه منافع موافق نیستم " .
بسط حوادث در همان جهت صورت گرفت که تظاهر کنندگان ۲۳ تیر پیش بینی میکردند.

پدیرائی از نماینده امپریالیسم امریکائی بزبان مصالح نهضت ضد امپریالیستی خلق ایران بود.
در سهای عده حوادث ۲۳ تیر ۱۳۳۰ و ۲۸ - ۳۰ تیر ۱۳۳۱ را میتوان اینطور خلاصه کرد:
۱ - در مبارزه با امپریالیسم باید روش قاطع داشت. همه امپریالیستها علی رغم تضادهای کوناگون بین خود در برابر خلقهای جهان جبهه واحدی تشکیل میدهند. امپریالیسم امریکا سرکرده امپریالیستها. ژاندارم خلقها و بزرگترین دشمن آنهاست.

۲ - فقط از راه بسیج کلیه نیروهای ملی و ضد امپریالیستی، فقط با اعتماد بر نیروی لایزال خلق و تکیه بر آن و با اتخاذ سیاست انقلابی قاطع و بی تزلزل میتوان بر امپریالیسم و هیئت فرمانروای دست نشانده اش غالب آمد. هرگونه محدودیتی که بیبانه های کوناگون در بسیج نیروهای ملی ضد امپریالیستی ایجاد شود، هرگونه ممانعت بان نیروهای ارتجاعی داخلی که به منزله عمال امپریالیسم عمل میکنند در جهت تقویت امپریالیسم و شکست نهضت ملی و ضد امپریالیستی خواهد بود.

۳ - اگرچه کلیه طبقات ملی و موکراتیک و از آن جمله بورژوازی ملی میتوانند و باید در مبارزه ملی و ضد امپریالیستی شرکت جویند ولی مبارزه مذکور فقط آنگاه بهیروزی خواهد رسید که حزب طبقه کارگر یعنی یکانه طبقه کارگر تا آخر انقلابی است بتواند رهبری را با اتخاذ سیاستی صحیح در دست گیرد.

اعلامیه کمونیستهای انقلابی شوروی

این اعلامیه که از طرف کمونیستهای انقلابی شوروی بطور محفی انتشار یافته و از اسناد مهم جنبش کمونیستی جهانی است از طرف سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان ترجمه و طبع شده است.
صاخوانندگان خود را به مطالعه این سند پرارزش دعوت میکنیم.

- بها: معادل چهل ریال
- نشریات: یکتوفان
- ۱ - سیک ذهنی در تفکر و عمل
- ۲ - آموزش خود را از نو بسازیم
- ۳ - اصول مقدماتی فلسفه
- بهای هر یک معادل چهل ریال است.
- نشریات فوق را از روزنامه توفان بخواهید

عنوان مکاتبات

X GIOVANNA GRONDA
24030 VILLA D' ADDA/ITALY
CONTO 12470/11
CREDITO ITALIANO AGENZIA 16
MILANO / ITALY

حساب بانکی

پیروز باد جنگ توده های خلق قهرمان ویتنام

کنفدراسیون دانشجویان را تقویت کنیم

کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایران در شرایط کنونی تنها سازمان توده ای علنی است که در جهت منافع مردم ایران مبارزه میکند. کنفدراسیون نه تنها مدافع منافع صنفی قشر دانشجویان است، بلکه از منافع میهنی آنان و از منافع خلق ایران در قبال دشمنان داخلی و خارجی این دفاع کرده با قبول شعارهای عام نهضت ملی و دموکراتیک در مواضع مبارزه قرار دارد.

کنفدراسیون تنها سازمان صنفی است که میتواند با متشکل ساختن توده های وسیع دانشجویان و دادن آگاهی صنفی و سیاسی بآنان کمی برای انقلاب ایران ورشد آن باشد. ضعف و احیانا نابودی آن بزیان نهضت و بنفع دشمنان آن است. از این رو است که ما برآنیم باید کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان را با نیروی هر چه زیادتر تقویت کرد. یکی از اولین گامها در این جهت (در جهت تقویت هر سازمان توده ای) وسیع ساختن پایه های نفوذ آن و تشویق و ترغیب توده ها بشرکت در آن است. ضرورت این امر از آنجا ناشی میشود که:

۱- کنفدراسیون سازمان صنفی قشر دانشجویان است و بدینسان جهت هر دانشجویی برای مبارزه در راه نامین حقوق صنفی خود میتواند و باید در آن شرکت کند.

۲- از آنجا که مبارزه در راه احقاق حقوق صنفی ناچار مبارزه سیاسی بر علیه رژیم کثافتدیده میشود و از آنجا که چه منافع صنفی و چه منافع زندگی آینده دانشجویان در چهارچوب سیستم موجود سخت مورد خطرات، چارهای برای دانشجویان نمینماید مگر مبارزه بر علیه سیستم کنونی وابسته باصبرالایس.

۳- از مطالب بالا نتیجه گرفته میشود که کنفدراسیون تنها سازمانی است که قشر دانشجویان را مدافع از منافع صنفی و میهنی خود میتواند در آن متشکل کند، آگاهی نسبت بمسائل اجتماعی وسیعتری خود پیدا کند. خارج از این چهارچوب هیچ دانشجویی قادر نخواهد بود که مبارزه صنفی ببرد از دست.

۴- کنفدراسیون دوستانی هستند که ماسفانه - و اگر چه بانیت نیست - بر آنند که کنفدراسیون باید محل تشکل آگاه ترین و فعالترین افراد دانشجویان باشد. در غیر این صورت سطح کیفی غنی کنفدراسیون تنزل خواهد کرد. این دوستان فراموش میکنند که سازمان توده ای سازمانی است که هر چه بیشتر از توده هارا در بر بگیرد. سازمان توده ای سازمان حزبی نیست که فقط شامل پیش آهنگ طبقه باشد.

محصرا ساختن کنفدراسیون بعد از قلیلی که دارای آگاهی اجتماعی و سیاسی زیادی هستند یا عبارت دیگر توجه بیش از اندازه به کیفیت و کم بها دادن بمسئله کمیت در کنفدراسیون بمعنی بیرو را شدن توده های عظیمی از قشر دانشجویان صحنه مبارزات صنفی و سیاسی بمعنی عمیق تر کردن فاصله میان قشرهای عقب مانده و پیش افتاده دانشجویان و جدا ماندن از توده ها، و بمعنی تضعیف کنفدراسیون و جنبش دانشجویی میهن ماست. شک نیست که در میان هر طبقه و قشری گروه های پیش افتاده و عقب مانده وجود دارد، اما اشتباه بزرگی است اگر با تکیه بیش از حد بر روی مسئله کیفیت، این شکاف را عمیق تر کرده، توده های وسیعی را از میدان مبارزه برکنار سازیم. عقب ماندگی آگاهی سیاسی و کمبود شعور طبقاتی در یک طبقه و یا قشر معلول جوامع طبقاتی و جهلی است که این جوامع بر توده های مردم ویر تمام جامعه تحمیل کرده و میکنند. وظیفه کنفدراسیون باید درست در جهت عکس این تحمیل، در جهت بمیدان مبارزه کشاندن و آگاه ساختن توده ها باشد که دانشجویان باشند و این امر در چهارچوب تشکیلات کنفدراسیون میسر است. وظیفه تمام اعضا کنفدراسیون است که دانشجویان تازه وارد و دانشجویانی را که هنوز بکنفدراسیون نیپیوسته اند تشویق برورود در کنفدراسیون بنمایند، بمیان توده های وسیعی که هنوز خارج از کنفدراسیون هستند بروند و بآنها نشان دهند که تنها مرکز تجمع دانشجویان کنفدراسیون است و صیغه تمام اعضا کنفدراسیون است که در سازمانهای دانشجویی تکیه کار خود را در ساختن و پرورش دادن نیروهای جوان کنفدراسیون که در مبارزه ناآگاه و نا آشنا هستند، بنهند.

ایران مظهر استعمار جمعی

و نمایندگی همکاری رومیونیسیم و امپریالیسم

میلیون دلار بطور مستقیم در ایران از طرف انحصارهای امپریالیستی سرمایه گذاری شد. در فروردین ۱۳۴۵ در ایران ۲ میلیارد سرمایه خارجی وجود داشت. در دیماه ۱۳۴۵ در ایران فقط در رشته های صنعتی، معدنی و کشاورزی ۷۰ شرکت خارجی فعالیت داشتند که جمع سرمایه شان بر ۱۰۰ میلیون دلار بالغ میشد. روزنامه فرانسوی لوموند در مرداد ۱۳۴۵ (۲۸ ژوئیه ۱۹۶۶) نوشت: "در حالیکه تهران روز بروز بیشتر بسوی شرق میچرخد ارزش سرمایه گذاریهای غربیبا آهنگ سریعی افزایش مییابد. در طی ۱۲ ماه گذشته ۲ میلیارد فرانک بوسیله کمپانی های بزرگ... سرمایه گذاری شده است."

وضع بازرگانی خارجی ایران نیز نماینده همین غارتگری گروهی امپریالیستی است. اگر در سال ۱۳۳۳ یکسال پس از کودتای امپریالیستی (واردات ایران کمتر از ۲ برابر صادرات بود در سال ۱۳۴۰ به ۵ برابر آن بالغ شد و اینک ۶ برابر آن است) و اگر واردات معاف از کمرگ را که سالیانه بیش از ۱ میلیارد ریال است بر آن بیفزاییم از این حد نیز تجاوز خواهد کرد. در سالهای اخیر واردات امریکا با ایران باندازه ۸ الی ۱۰ برابر ایران با امریکا بوده است و این نسبت هر سال رو به افزایش است. اگر امریکا در سال ۱۳۴۰ ۸۲۶۴ میلیون ریال کالا با ایران وارد میکرد در سال ۱۳۴۵ ۱۴۵۰۰ میلیون ریال وارد کرده است و این مبلغ بیش از مجموع صادرات ایران در سال ۱۳۴۶ میباشد.

ایران فقط در عرض دو سال اخیر ۷۵۸ میلیون دلار از امپریالیستها اسلحه خرید مویا هم اکنون مشغول خرید است. اگر در نظر آریم که تمام درآمد پیش بینی شده سازمان برنامه در سال ۱۳۴۷ از ۶۱۱ میلیون دلار بیشتر نیست آنکاه مخصوص توجه میشود که امپریالیست ها از مصلحتی که پس از نخستین غارت ها در دست دولت ایران باقی میماند چه تاراجی میکنند.

اینهاست چند شاخص عمده اقتصاد ایران. شکار این شاخص ها جوابگوی مبلغان رژیم کودتا و رومیونیسیمهای ساز است. این شاخص ها نشان میدهد که مواضع امپریالیستها در اقتصاد ایران سال بسال محکم تر و کثرت تر میشود و رژیم خان محمد رضاشاه وظیفه دیگری جز تسهیل این امر بر او خود نمی شناسد. همانطور که در طرح "وظائف مبرم و فوری مارکسیستها - لنینیستهای ایران" گفته شده است: "ایران یکی از بهترین نمونه های استعمار جمعی است و بارزترین مظاهر سیاست استعماری در آن چشم میخورد." در سالهای اخیر رومیونیسیمهای شوروی و سایر کشورهای اروپای شرقی بجمع امپریالیستها پیوسته و صوبه خود بر این خوان دعوا نشستند. مدح و ثنای غلیظی که آنها بیدریغ در پای محمد رضاشاه میریزند نشانه آن است که بموقع خود در دفاع عظیمی از رژیم وی در کنار امپریالیستهای امریکائی خواهند بود. عرصه میهن ما امروز یکی اونهاشکاهای همکاری رومیونیسیم شوروی و امپریالیسم امریکاست. "از این جهت - همانطور که در طرح "وظائف مبرم و فوری مارکسیستها - لنینیستها آمده است - مبارزه با رومیونیسیم از مبارزه با امپریالیسم جدا نیست و این هر دو لازم و ملزوم یکدیگرند."

رومیونیسیمهای ایران در شماره اخیر روزنامه خود بار دیگر قلم را در آرایش رژیم محمد رضاشاه و بند و بست های رومیونیسیمهای شوروی بگردانند خسته و نوشته اند: "بهبود روابط ایران و شوروی موجب تضعیف مواضع امپریالیسم در ایران و ترقی کشور ماست" و "میدان عمل مستقل رژیم" را در برابر امپریالیستها بسط داد است.

عیار این ادعای رومیونیسیمها چیست؟ آیا در سالهای اخیر مواضع امپریالیسم در ایران ضعیف شده است؟ به کونه سخن میتوان پاسخ گفت که هیچگاه مواضع کنیدی اقتصاد ایران تا این درجه در قرضه قدرت امپریالیستها قرار نداشته است و هیچگاه چنین تعداد کثیری از انحصارها و دولتهای امپریالیستی در عارت میهن ما شرکت نجسته بوده اند.

مادراینجا برخی از رشته های عمده اقتصاد ایران را در رابطه با امپریالیستها از نظر خوانندگان کرامی میگردانیم:

میکویند در درباریز درگردد ساسانی قالی زربفت کوهر نشانی بود که با تیغ مهاجمان از هم دریده شد و هر وجهش بدست یکی بغارت رفت. اینک سرزمین نفت خیز ایران بصورت قالی بهارستان درآمده که هر قطعه اش چنگال غارتگری یکی از امپریالیستها افتاده است. علاوه بر قرارداد اخذ نفت با کسرسیوم که یکسال پس از کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ با محضی دولت ایران رسید و امپریالیستهای انگلیسی، امریکائی، فرانسوی، هلندی را بر صنعت نفت ما مسلط ساخت دولت ایران در شهریور ۱۳۳۶ قرارداد را با کمپانی ایتالیائی آجیب مینزیا و در اردیبهشت ۱۳۳۷ با کمپانی پان آمریکن منعقد کرد.

سپس با همین امپریالیستها و با امپریالیستهای تازه وارد قراردادهای متعدد دیگری بست: در دیماه ۱۳۴۳ با کمپانیهای نفتی هلندی و امریکائی، در فروردین ۱۳۴۴ با ۵ گروه نفتی مرکب از سیزده شرکت که ۱۱ تنی آنها امریکائی بودند و خدان جنوب ایران را این طور بین خود تقسیم کردند: شرکت نفتی فلات قاره ایران (ایروکو)، شرکت نفت بین العلی در ریائی ایران (ایمینوکو)، شرکت نفت لاوان (لاپکو)، شرکت نفت فارس (ف - پ - سی)، شرکت نفت خلیج (پکیکو)، شرکت دشتستان (دو کو)، در شهریور ۱۳۴۵ بخشی دیگر از خاک ایران را (بین بوشهر و بندر عباس - اطراف کرمان هم - اطراف کاشان و اصفهان - اطراف کویر لوت) با امپریالیستهای فرانسوی هدیه کردند. در موقع مسافرت اخیر نخست وزیر فرانسه با ایران طرحی ریختند که کسرسیومی از کمپانیهای متشکل "نفتی اروپا: ۳۲٪ فرانسوی ۲۸٪ ایتالیائی ۲۰٪ اسپانیولی ۱۰٪ بلژیکی ۱۰٪ اطریش بجرگه غارتگران نفت ایران افزوده شود، ساختمان پالایشگاه نفت تهران را هم بگروه کمپانیهای آلمانی و امریکائی دادند.

در سایر رشته های اقتصاد هم سرمایه های امپریالیستی بعبارت گروهی مشغولند. صرف نظر از "قانون حمایت سرمایه های خارجی" که از شرع خیانت با رژیم کودتا است در ۲۶ آبان ۱۳۴۴ قرارداد تضمین سرمایه گذاری آلمان در ایران "باضا" رسید که نصیر آن در چند سال قبل با امپریالیسم امریکا "باضا" رسیده بود. در عرض سالهای ۱۳۴۰ - ۴۵ - ۴۶ در حدود ۲۰ الی ۳۰

"روی سخن با همه مارکسیستها - لنینیستهای ایران است."

رفقا اکنون که رهبری حزب توده ایران در فتن ظفر بخش مارکسیسم - لنینیسم را بزمین افکنده است آن را سر بلندتر برافرازیم و وحدت کلیه نیروهای مارکسیستی - لنینیستی را بمنظور احیای حزب طبقه کارگر ایران وجهت خود سازیم. جنبش انقلابی مسلح دهقانان را که نیروی عمده انقلاب اند و جنبه وسیع کلیه طبقات و قشرها و شخصیتها ی دموکراتیک ایران را تحت رهبری طبقه کارگر بیکپیرانه و بصورت تدارک بینیم. قهر ضد انقلابی رژیم محمد رضاشاه و حامیان امپریالیست و رومیونیسیم او را با قهر انقلابی درهم شکنیم. "مستخرج از طرح" وظائف مبرم و فوری مارکسیستها - لنینیستهای ایران" این طرح که بضمیمه شماره ۴ توفان منتشر شده در دفتر روزنامه موجود است. آن را برای مطالعه و اظهار نظر و توزیع از توفان بخواهید.